به خشنودی دادار اورمزد

جزوه ی کوتاه اموزش دین دبیره صفحه ی هم سرایان گاتها

خط و دبیره ی اوستایی از رسا ترین و کاملترین خطوط است و فراگیری و خوانش آن نیز به آسانی انجام میگیرد.

این خط از راست به چپ نگاشته میشود و در در نگارش ،واژه ها از هم جدا نوشته میشوند.این خط در اصطلاح" آوا نگار "است و کاستی های خطی مانند فارسی کنونی را دربیان آوا ندارد.حروف صدا دار آن که شامل 14 حرف اند به دو بخش کوتاه و کشیده تقصیم میشوند.صورت هایی از اواها هم امروز در فارسی کنونی متروک است و تنها از راه شنیدن و مقایسه با زبان های دیگر چون سانسکریت قابل درک و تلفظ است .حروف بی صدای این خط نیز 34 حرف است که با 14 حرف صدا دار روی هم 48 حرف است که دین دبیره و خط اوستا را تشکیل میدهد .برای درک بهتر در سه بخش اواها در اختیار گذاشته میشود ، بخش اول حروف صدا دار و بی صدا با آوا نویس فارسی و لاتین بصورت جدا بیان میشود و در بخش بعدی نمونه ی کامل از دین دبیره تهیه انجمن موبدانتهران در اختیار گذاشته میشود و در پایان چند برگ نخست از کتاب گاتها انتشارات کانون دانشجویان زرتشتی که چکیده ای از دستور زبان و آوا هاست ارایه میگردد . برای آغاز کار میتوان تک برگ آوا نویسی انجمن موبدان را پرینت گرفت و برای مدتی با همراهی آن بنده های گاتها را خواند و سرود، تا روان خوانی و حفظ دین دبیره میسر گردد .در آوانگاری لاتین مشکل اوانگار خط فارسی امروز را نداریم و هر حرف و دبیره اوستا با حرف و دبیره ی مشخص لاتین نمایش داده میشود اما در خط فارسی که اوا نگار نیست نمیتوان تمام اوا ها را نمایش داد از این رو انجمن موبدان با گذاشتن علایمی ما را در فهم بهتر آوا ها یاری رسانده که اساس کار این صفحه بر اساس گاتهای انجمن موبدان است ،برای اوانگار لاتین هم در میان زبان شناسان چند نمونه وجود دارد که با نام تنظیم کننده ی آن شناخته میشود مانند اوانگاری بر اساس " جکسن" یا "هوفمن "، یا"بارتلومه " . که در نوع انتخاب برخی حرف لاتین برای نشان دادن دبیره ی اوستا اختلاف دارند این اختلاف تنها در انتخاب معادل لاتین آن است ، برای نمونه دبیره ی "و" شبیه "دد" را باتلومه و جکسن با "V"اوانگاری میکنند و هوفمن آن را با "uu" نمایش میدهد ، که ما در اینجا از گزینش انجمن موبدان استفاده میکنیم (بخشی که از کتاب گاتها کانون دانشجویان زرتشتی آورده شده بر اساس هوفمن است)

نمونه ی یک با استفاده از جزوه ی پژوهش آرمین کسروی ست که این جزوه در اینترنت موجود است و در صفحه نیز لینک آن قرار داده شده است

حروف صدادار کوتاه و نویسه فارسي

اوستايي	فارسي	اوستايي	فارسي
𐬀	ا	𐬆	اِ
𐬌	اِی	𐬈	اِ
𐬎	او	𐬊	اُ

حروف صدادار بلند و نویسه فارسي

اوستایی	فارسی	اوستایی	فارسی
𐬁	آ	𐬋	اُ
𐬍	اِی	𐬃	آو
𐬏	او	𐬄	آن(آ در بینی)
𐬇	اِ(بلند) ئی	𐬉	اِ

حروف صدادار کوتاه و بلند و نویسه لاتین

اوستایی	لاتین	اوستایی	لاتین	اوستایی	لاتین	اوستایی	لاتین
𐬀	*a*	𐬈	*e*	𐬏	*ū*	𐬃	å
𐬌	*i*	𐬊	*o*	𐬇	*ə̄*	𐬄	*ą*
𐬎	*u*	𐬁	*ā*	𐬉	*ē*		
𐬆	*ə*	𐬍	*ī*	𐬋	*ō*		

- حروف بی صدا و نویسه فارسي

فارسی	اوستایی	فارسی	اوستایی	فارسی	اوستایی	فارسی	اوستایی
و	𐬎𐬎	ش	𐬳	خ	𐬓	ب	𐬠
و	𐬡	غ	𐬖	د	𐬛	پ	𐬞
ه	𐬵	ف	𐬟	ذ	𐬜	ت	𐬙
ی	𐬫	ک	𐬐	ر	𐬭	ت	𐬝
ی	𐬪	گ	𐬔	ز	𐬰	ث	𐬚
آنگ	𐬢	م	𐬨	ژ	𐬲	ج	𐬘
نْگ	𐬣	ن	𐬥	س	𐬯	چ	𐬗
		ن	𐬧	ش	𐬱	خ	𐬑
		و	𐬬	ش	𐬴	خ	𐬒

حروف بي صدا و نويسه لاتين

لاتين	اوستايي	لاتين	اوستايي	لاتين	اوستايي	لاتين	اوستايي
h	𐬵	*f*	𐬟	δ	𐬜	*b*	𐬠
y	𐬫	*k*	𐬐	*r*	𐬭	*p*	𐬞
y	𐬪	g	𐬔	z	𐬰	*t*	𐬙
ŋ	𐬢	*m*	𐬨	ž	𐬲	*t̰*	𐬝
ŋ́	𐬣	*n*	𐬥	*s*	𐬯	*ϑ*	𐬚
ḣ	𐬒	*ṇ*	𐬧	*š*	𐬱	*j*	𐬘
x^w	𐬓	w	𐬬	*ṣ̌*	𐬴	*c*	𐬗
		w	𐬎𐬎	š́	𐬳	*x*	𐬑
		β	𐬡	γ	𐬖	*d*	𐬛

راهنمای نشانه‌های دین دبیره و آوانویسی به کار برده شده در تارنگار انجمن موبدان تهران

۱	𐬀	اَ	a	۱۷	𐬒	خْ	$x́$	۳۳	𐬢	نگْ	$ŋ$
۲	𐬁	آ	$ā$	۱۸	𐬓	خوَ	x^v	۳۴	𐬣	نگْ	$ŋ́$
۳	𐬌	ای	i	۱۹	𐬔	گْ	g	۳۵	𐬥	نْ	n
۴	𐬍	ایْ	$ī$	۲۰	𐬖	غْ،قْ	$γ$	۳۶	𐬧	نْ	$ṇ$
۵	𐬎	او	u	۲۱	𐬗	چْ	$č$	۳۷	𐬨	مْ	m
۶	𐬏	اوْ	$ū$	۲۲	𐬵	هْ	h	۳۸	𐬪	یْ	y
۷	𐬆	اِ	$ə$	۲۳	𐬘	جْ	j	۳۹	𐬫	یْ	y
۸	𐬇	اِ	$ə̄$	۲۴	𐬙	تْ	t	۴۰	𐬭	رْ	r
۹	𐬈	اِ	e	۲۵	𐬚	ثْ	$θ$	۴۱	𐬬	وْ	v
۱۰	𐬉	اِ	$ē$	۲۶	𐬛	دْ	d	۴۲	𐬬	وْ	v
۱۱	𐬊	اُ	o	۲۷	𐬜	ذْ	$δ$	۴۳	𐬯	سْ	s
۱۲	𐬋	اُ	$ō$	۲۸	𐬝	تْ	$t̰$	۴۴	𐬰	زْ	z
۱۳	𐬃	آوَ	$å$	۲۹	𐬞	پْ	p	۴۵	𐬱	شْ	$š$
۱۴	𐬄	اٌ	$ą$	۳۰	𐬟	فْ	f	۴۶	𐬴	شْ	$ṣ̌$
۱۵	𐬐	کْ	k	۳۱	𐬠	بْ	b	۴۷	𐬳	شْ	$š́$
۱۶	𐬑	خْ	x	۳۲	𐬡	وْ	$β$	۴۸	𐬲	ژْ	$ž$

– نشانه‌ی مرکب بودن واژه
. نقطه‌ای که پس از هر واژه می‌آید
∴ نشانه‌ی پایان جمله
⁖ نشانه‌ی پایان بند
°°° نشانه‌ی پایان هات

چند برگ از کتاب گاتها انتشارات کانون دانشجویان زرتشتی شامل دبیره اوا نوشت و مختصری دستور زبان

حروف با صدا

	اوستا	آوانوشت	فارسی	واژه از اوستا	نوشتن فارسی	نوشتن لاتین
۱	𐬀	a	اَ	𐬀𐬞𐬀𐬌𐬙𐬌𐬙𐬀	اَپَـ ئی تی تَـ	apaitita
۲	𐬁	ā	آ	𐬁𐬨𐬁𐬙𐬀	آماتَ	āmāta
۳	𐬆	ə	اِ – کوتاه	𐬨𐬆𐬭𐬆𐬖𐬀	مِرِغَـ	mərəγa
۴	𐬇	ə̄	اِ – بلند	𐬇𐬆𐬃𐬢𐬵	اِ اِ آ اُنگهْ	ə̄əåŋh
۵	𐬈	e	اِ – کوتاه	𐬨𐬀𐬈𐬴𐬀	مَـ اِ شَـ	maeṣ̌a
۶	𐬉	ē	اِ – بلند	𐬛𐬀𐬉𐬎𐬎𐬀	دَ اِ وَ	daēuua
۷	𐬊	o	اُ – کوتاه	𐬨𐬀𐬊𐬌𐬭𐬌	مَـ اُ ایری	maoiri
۸	𐬋	ō	اُ – بلند	𐬞𐬋𐬎𐬭𐬎	پُـ ئورو	pōuru
۹	𐬎	u	او – کوتاه	𐬎𐬞𐬁𐬞𐬀	او پا پَـ	upāpa
۱۰	𐬏	ū	او – بلند	𐬯𐬏𐬐𐬀	سوکَ	sūka
۱۱	𐬌	i	ای – کوتاه	𐬌𐬯𐬌	ای سی	isi
۱۲	𐬍	ī	ای – بلند	𐬬𐬍𐬯𐬙𐬀	ویسْ تَـ	vīsta
۱۳	𐬃	å	آو	𐬫𐬃𐬢𐬵	یـ اَونگهْ	yåŋh
۱۴	𐬄	ą	آن	𐬨𐬄𐬚𐬭𐬀	مانْثْرَ	mąθra

حروف بی صدا

baeṣ̌aza	بَـ اِ شَـ زَ	𐬠𐬀𐬉𐬴𐬀𐬰𐬀	ب	b	𐬠	۱
pāδa	پاذَ	𐬞𐬁𐬜𐬀	پ	p	𐬞	۲
tašta	تَشْتَ	𐬙𐬀𐬱𐬙𐬀	ت	t	𐬙	۳
auruuaṇt̰	اَئورُوَنْتْ	𐬀𐬎𐬭𐬎𐬎𐬀𐬥𐬝	ت	t̰	𐬝	۴
θri	ثری	𐬚𐬭𐬌	ث	θ	𐬚	۵
jaini	جَـ ای نی	𐬘𐬀𐬌𐬥𐬌	ج	j	𐬘	۶
čārəmā	چارِمـ آ	𐬗𐬁𐬭𐬆𐬨𐬁	چ	č	𐬗	۷
xṣ̌ap	خْـ شَـ پْ	𐬑𐬴𐬀𐬞	خ	x	𐬑	۸
x'iiaona	خْـ یَـ اُ نَـ	𐬒𐬌𐬌𐬀𐬊𐬥𐬀	خ	x'	𐬒	۹
x^{v}arəθa	خْوَرِثَ	𐬓𐬀𐬭𐬆𐬚𐬀	خو	x^{v}	𐬓	۱۰
duždaə̄na	دوژْدَ اِ نَـ	𐬛𐬎𐬲𐬛𐬀𐬇𐬥𐬀	د	d	𐬛	۱۱
maiδiia	مَـ ایذْیَـ	𐬨𐬀𐬌𐬜𐬌𐬌𐬀	ذ	δ	𐬜	۱۲
brātar	بْراتَرْ	𐬠𐬭𐬁𐬙𐬀𐬭	ر	r	𐬭	۱۳
zairina	زَ ایرینَـ	𐬰𐬀𐬌𐬭𐬌𐬥𐬀	ز	z	𐬰	۱۴

tižin	تیژین	𐬙𐬌𐬲𐬌𐬥	ژ	ž	𐬲	۱۵
srira	سْریرَ	𐬯𐬭𐬌𐬭𐬀	س	s	𐬯	۱۶
vahišta	وَهیشْتَـ	𐬬𐬀𐬵𐬌𐬱𐬙𐬀	ش	š	𐬱	۱۷
ṣ̌āiti	شا ای تی	𐬴𐬁𐬌𐬙𐬌	ش	ṣ̌	𐬴	۱۸
š́iiaoθna	شْیَـ اُ ثْنَـ	𐬳𐬌𐬌𐬀𐬊𐬚𐬥𐬀	ش	š́	𐬳	۱۹
γžar	غـ ژَ ر	𐬖𐬲𐬀𐬭	غ	γ	𐬖	۲۰
fratara	فرَتَرَ	𐬟𐬭𐬀𐬙𐬀𐬭𐬀	ف	f	𐬟	۲۱
karṣ̌uuara	کَرْشْوَرَ	𐬐𐬀𐬭𐬴𐬎𐬎𐬀𐬭𐬀	ک	k	𐬐	۲۲
gaoṣ̌a	گَـ اُ شَـ	𐬔𐬀𐬊𐬴𐬀	گ	g	𐬔	۲۳
maγa	مَـ غَـ	𐬨𐬀𐬖𐬀	م	m	𐬨	۲۴
nəmata	نِـ مَـ تَـ	𐬥𐬆𐬨𐬀𐬙𐬀	ن	n	𐬥	۲۵
daṇtan	دَ نْتَن	𐬛𐬀𐬧𐬙𐬀𐬥	ن	ṇ	𐬧	۲۶
varəz	وَ رِ ز	𐬬𐬀𐬭𐬆𐬰	و(دراول واژه)	v	𐬬	۲۷
amauuaṇt̰	اَ مَ وَ نْتْ	𐬀𐬨𐬀𐬎𐬎𐬀𐬧𐬝	و(در میان واژه)	uu	𐬎𐬎	۲۸
raθβā	رَثْـ وا	𐬭𐬀𐬚𐬡𐬁	و	β	𐬡	۲۹
haptan	هَپْتَنْ	𐬵𐬀𐬞𐬙𐬀𐬥	ه	h	𐬵	۳۰
yātu	یاتو	𐬫𐬁𐬙𐬎	ی(دراول واژه)	y	𐬫	۳۱
vaeδiia	وَ اِ ذْ یَـ	𐬬𐬀𐬈𐬜𐬌𐬌𐬀	ی(در میان واژه)	ii	𐬌𐬌	۳۲
manaŋh	مَنَنْگْه	𐬨𐬀𐬥𐬀𐬢𐬵	نْگ	ŋ	𐬢	۳۳
daiŋ́hu	دَ ای نْگ هو	𐬛𐬀𐬌𐬣𐬵𐬎	نْگ	ŋ́	𐬣	۳۴

واژه‌های مرکب، گاه با یک خط تیره (-) از هم جدا نشان داده می‌شوند. برای نمونه:

به معنی سه شب

اما بعضی اوقات ترکیب واژه‌ها ، از لحاظ قواعد دستوری، گونه‌ای است که ترکیب با نشانه‌ی تیره مشخص نمی‌شود بلکه با تغییر یک یا دو حرف به صورت یک وهژه‌ی مستقل نوشته می‌شود.

به معنی : شب گرد

(شب + پاسبان، پشتیبان)

آواهای آمیخته

شش آوای آمیخته در زبان اوستایی وجود دارد که این آواها عبارتند از:

= اَاِ aē	= اَاُ ao
= اُای ōi	= اِاو əu
= آ ای āi	= آ او āu

کاربرد حرف‌های با صدا

۱- حرف (اَ)

راستی

کنار رفتن – دور شدن

آتش

حرف (اَ) اگر در سر واژه‌ای آورده شود، کلمه را منفی می‌کند.

+ = بی فرزند

۲- حرف (آ)

آشتی

سر – کله

ایزد علم و دانش ، دانایی، دانش

۳- حرف (اِ کوتاه) بیشتر در آغاز و میان واژه کاربرد دارد.

آرش (تیرانداز)

نقره

حرف (اِ کوتاه) واژه‌ی پیشوندی است. در جلوی واژه‌هایی که با و آغاز می‌گردند جای می‌گیرد و معنی نبودن (بی) به واژه می‌دهد.

بی دانش – نادان

۴-حرف (اِ بلند) در وسط واژه می‌آید، به جز در چند مورد که اول کلمه آمده است که آن‌ها هم در اوستا به صورت (اِ کوتاه) ضبط شده است.

نیرومند، زورمند (این واژه در گاتا با (اِ بلند) ضبط شده است اما در سایر بخش‌های اوستا با (اِ کوتاه) نوشته شده است)

شهرت، آوازه، افتخار

سخن

۵- حرف (اِ کوتاه) در آغاز واژه دیده نشده، در وسط واژه بسیار می‌آید و در آخر کلمه کمتر به کار می‌رود.

ده هزار

۶- حرف (اِ بلند) در میان واژه بیشتر دیده می‌شود و در اول کلمه نمی‌آید و اغلب در نسخه‌های چاپی اوستا به جای همان (اِ کوتاه) به کار برده‌اند.

دین، وجدان

گیتی

۷- حرف (اَ کوتاه) در میان واژه بسیار کاربرد دارد و به ندرت در آخر کلمه می‌آید و در آغاز کلمات به کار نمی‌رود.

گونه – رنگ

۸- حرف (اَ کشیده) به طور معمول در سر واژه نمی‌آید، اما در میان و پایان واژه‌ها کاربرد داشته و معمول است. در میان واژه، اغلب اوقات واژه‌هایی که با کلمه دیگر ترکیب می‌شود و پایان آن واژه‌ها حرف قرار دارد، حرف تبدیل به می‌شود که یک تغییر حرفی است.

(حرف در پایان تبدیل به شده است)

میانه، متوسط + خانه ، خانواده

۹- حرف (او کوتاه) در اوستا کاربردی بسیار دارد.

روباه

هوش

بازو

۱۰- حرف (او کشیده) این حرف صدادار همان می‌باشد که کشیده تلفظ می‌شود و در اول و آخر کلمه کم دیده می‌شود، اما در وسط کلمه کاربر زیادی دارد. حرف به تنهایی به معنی خالی بودن، تهی بودن، نداشتن، کم شدن و کاستن است.

نیازمند ، محتاج

حتماً ، مسلماً

[illegible] ضمیر دوم شخص

۱۱- حرف [illegible] (ای کوتاه) به معنی رفتن، گذشتن، آمدن، رسیدن

این حرف بیشتر در جلو واژه در پایان واژه به صورت پیشوند و پسوند به کار می‌برد.

[illegible] اینجا

[illegible] ریش کردن — زخم کردن

[illegible] مینوی — معنوی — گوهر روح

[illegible] کدخدا

۱۲- حرف [illegible] (ای کشیده) نیز چون [illegible] (ای کوتاه) در همه جای واژه می‌آید. [illegible] به معنی این (اشاره به نزدیک) است.

[illegible] آرزو — خوشبختی — فراوانی و سعادت

[illegible] زن آرزومند زاییدن بچه

[illegible] کسی که از پدری شریف است

۱۳- حرف [illegible] به صورت اَوْ تلفظ می‌شود، در اول کلمه بسیار کم و بیشتر در وسط کلمات می‌آید.

[illegible] نشستن که [illegible] نیز آمده است.

[illegible] ماه

۱۴- حرف [illegible] (اَن، اِن) حرفی است که در بینی تلفظ می‌شود. همه جای واژه می‌آید اما بیشتر در میان واژه کاربرد دارد.

[illegible] بغل — شانه

[illegible] کلام ایزدی — سخن مینوی

کاربرد حرف های بی صدا

۱۵- حرف [illegible] (ب)

[illegible] بخشیدن

[illegible] (اندازه‌ای است در طول، از سرانگشت دست تا سر شانه، معادل ۳۶ اینچ که هنوز جزء دوم آن [illegible] در فارسی رایج است)

[illegible] فریب دادن

۱۶- حرف [illegible] (پ) این حرف در همه جای کلمه یکسان می‌آید و کاربرد فراوانی دارد.

[illegible] پنج

[illegible] آب

۱۷- حرف [illegible] (ت) در اول، وسط و آخر کلمه می‌آید. اما برای آخر واژه به شکلی دیگر نوشته می‌شود.

[illegible] تنور

[illegible] تشت — ظرف

۱۸- حرف [illegible] (ت) به این شکل اغلب و به طور معمول در آخر واژه می‌آید.

[illegible] عمل کردن — جراحی کردن

این حرف ندرتاً در میان واژه، در حال ترکیب حرف [illegible] ملاحظه می‌شود.

[illegible] شکست دهنده‌ی دیوها

[illegible] دیو + شکست دادن

حرف [illegible] (ت آخر) در دو یا سه مورد در اول واژه نیز به کار رفته است.

[illegible] کیش — مذهب

۱۹- حرف [illegible] (ث) تلفظ این حرف مثل th در انگیلسی و "ث" در عربی است.

[illegible] نگهداری — تغذیه — پرورش

۲۰- حرف [illegible] (ج) در همه جای کلمه کاربرد دارد.

[illegible] ژرف — گود

[illegible] نیرو — قدرت — زور

[illegible] رهایی بخشیدن — نجات دادن

۲۱- حرف [illegible] (چ)

[illegible] (چَـ) واو عطف است (= وَ) در گاتا به شکل [illegible] (چا) آمده است. همچنین به معنی «که، چه، چه کسی» در اوستا آمده است که معانی «کی، چه وقت، چون» از ان برمی‌آید.

[illegible] چشیدن

[illegible] چیچست (نام دریاچه‌ی ارومیه)

[illegible] روان شدن ، جاری شدن

۲۲- حرف [illegible] (خ)

[illegible] خُم ، خُمره

[illegible] با آشتی ، دوستانه

۲۳- حرف [illegible] (خ) در تلفظ صدای (خ) می‌دهد. به نظر می‌رسد صوتی نزدیک به [illegible] (ه) داشته باشد اما سخت‌تر از آن، در پهلوی و منابع قدیم فارسی نوشته شده است. در آخر کلمه دیده نمی‌شود و در اول واژه، یکی دو مورد به کار رفته است. در صورت‌هایی از ریشه [illegible] به معنی بودن و هستن و صیغه‌هایی از آن ملاحظه می‌شود.

این حرف پیش از [illegible] (ی) و همچنین در وسط کلمه می‌آید.

پیش از [illegible] (ی):

[illegible] — [illegible] — [illegible] — [illegible]

در وسط کلمه:

[illegible] (که در اوستا به صورت [illegible] ، نیز آمده که معنای مملکت از آن استنباط می‌شود.

۲۴- حرف [illegible] (خوْ) این حرف همان (خ) فارسی است پیش از واو معدوله می‌آید، مانند خواسته، خواهش که در اوستا همیشه پیش از حروف صدادار می‌آید.

درخشیدن ، تابیدن

۲۵- حرف (د)

آفریننده، خالق

دانش، علم

خرد، دانش

۲۶- حرف (ذ) در اوستا بر سر واژه دیده نمی‌شود. اما در میان واژه کاربرد دارد. در تلفظ، محل ایجاد آن، نزدیک به اوستایی و "ث" عربی است.

زیرک ، باهوش

۲۷- حرف (ر) در همه جای واژه یکسان می‌آید.

روشن

ارتشی

۲۸- حرف (ز) نیز در تلفظ به همان صورت (ز) فارسی است و در همه جای واژه یکسان می‌آید.

زرد

نزدیک، نزد

۲۹- حرف (ژ) در آغاز و آخر کلمه کاربردی اندک دارد و در میان کلمه بیشتر به کار می‌رود.

دانستن، درک کردن

پاک کردن، درست کردن

لرزیدن، تکان خوردن

۳۰- حرف (س) کاربرد زیادی دارد و در همه جای کلمه یکسان می‌آید.

ایستادن

رده، رزم، جنگ

میل، خواهش، آرزو

۳۱- حرف (ش) همان صدای (ش) فارسی را می‌دهد و در سر واژه به کار می‌رود اما در میان و آخر واژه کاربرد بیشتری دارد.

تندرست، زنده‌دل

شش

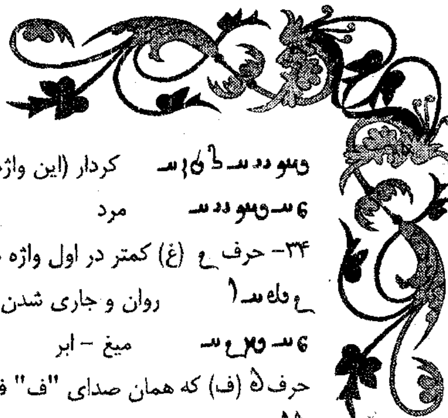
۳۲- حرف (ش) در همه جای واژه می‌آید.

شادی کردن – شاد بودن

کشور – پادشاهی – نیرو – اقتدار

آرزو – خواهش – میل

۳۳- حرف (ش) این حرف در نوشتن اوستا، پیش ازحرف " ی "می‌آید



کردار (این واژه از لحاظ دستوری خنثی است)

مرد

۳۴- حرف (غ) کمتر در اول واژه می‌آید، اما در وسط واژه کاربرد زیادی دارد.

روان و جاری شدن

میغ – ابر

حرف (ف) که همان صدای "ف" فارسی را دارد و بیشتر در اول و وسط واژه می‌آید.

فراز

برف

۳۶- حرف (ک) در همه جای واژه‌یکسان می‌آید.

کودک

کوه

۳۷-حرف (گ) بیشتر در آغاز و میان واژه می‌آید.

۳۸- حرف (م)

بزرگ - درشت

زمین

۳۹-حرف (ن) در همه جای واژه می‌آید.

جدا – راه جدا – جایگاه جدا (از ظروف مکان)

نام

۴۰- حرف (ن دربینی)خوانده می‌شود

در همه جای واژه و بدون شرط و ویژگی می‌آید در حالی‌که این حرف در سر واژه و آخر کلمات به‌کار نمی‌رود. همچنین میان دو حرف صدادار نیز قرار نمی‌گیرد. در اکثر موارد پیش از این حرف، حرفِ صدادار (اَ) و پس از آن حروفی بی‌صدا چون:

(ت)، (چ)، (ج)، (ک)، (گ)، (د) می‌آید.

(ک): پاک کننده

(أ): اندام

(ت): مچ پا

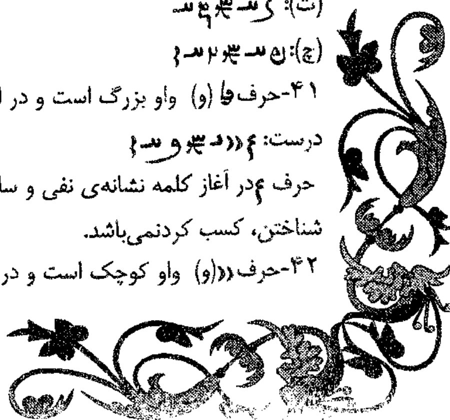
(چ): پنج

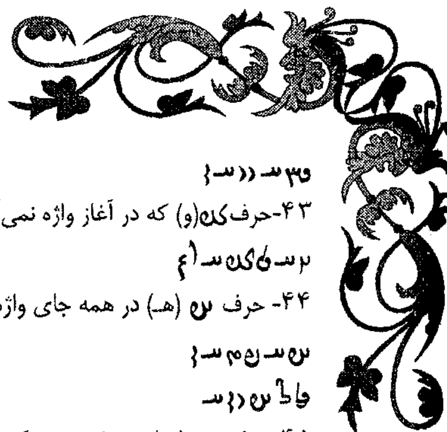
۴۱-حرف (و) واو بزرگ است و در اول واژه می‌آید.

درست: نادرست:

حرف در آغاز کلمه نشانه‌ی نفی و سلب است قسمت دوم ازریشه‌ی وید می باشدبه معنی به‌دست آوردن، شناختن، کسب کردنمی‌باشد.

۴۲-حرف (و) واو کوچک است و در میان واژه نوشته می‌شود.



𐬫𐬀𐬎𐬎𐬀𐬥 جوان

۴۳-حرف𐬎𐬎(و) که در آغاز واژه نمی‌آید و مانند (W) انگلیسی تلفظ می‌شود.

𐬗𐬀𐬚𐬡𐬁𐬭𐬋 چهار

۴۴- حرف 𐬵 (هـ) در همه جای واژه به طور یکسان کاربرد دارد.

𐬵𐬀𐬞𐬙𐬀𐬥 هفت

𐬬𐬋𐬵𐬎𐬥𐬌 خون

۴۵-حرف 𐬫 (ی) حرف ی بزرگ که در سر واژه می‌آید.

𐬫𐬁𐬨𐬀 جام، شیشه

برای کاربرد در موارد دیگر به ویژه در وسط کلمه حرف 𐬌𐬌 به‌کار می‌رود. اما چنان‌که ملاحظه می‌شود در مواردی مانند:

𐬑𐬱𐬀𐬞𐬀𐬌𐬌𐬀𐬌𐬙𐬌 شب‌گرد

𐬑𐬱𐬀𐬞𐬀+𐬫𐬀𐬙𐬌 شب+پاسبان، پشتیبان

چون دو کلمه ترکیب و صورت واحدی پیدا کرده، حرف 𐬫که فقط در سر کلمه می‌آید، به حرف 𐬌𐬌 که در وسط کلمه قرار می‌گیرد، تبدیل می‌شود.

۴۶- حرف 𐬌𐬌 (ی) یای کوچک که در وسط کلمه می‌آید.

𐬀𐬌𐬭𐬌𐬌𐬀 ایرانی

۴۶- حرف 𐬢که (نگ) تلفظ می‌شود. این حرف کاربردی محدود داشته و در اول واژه نمی‌آید و اغلب میان حرف صدادار 𐬀 و حرف بی‌صدای 𐬵 قرار می‌گیرد.

𐬭𐬀𐬢𐬵 برق، جلا، درخشش

𐬀𐬢𐬵𐬎 نیروی زندگی، جان

۴۸- حرف 𐬣 که (نگ) در گلو و بینی تلفظ می‌شود.

این حرف که در وسط کلمه می‌آید و کاربردی بسیار کم دارد، در کلمه پیش از حرف 𐬵 (هـ) واقع می‌شود.

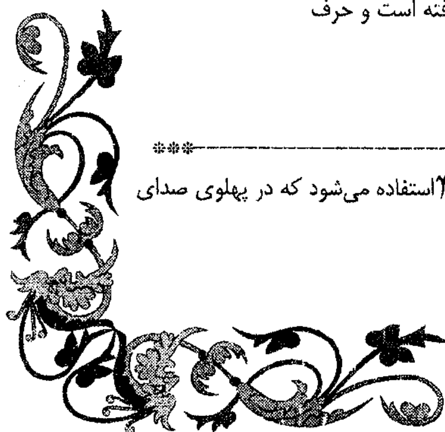
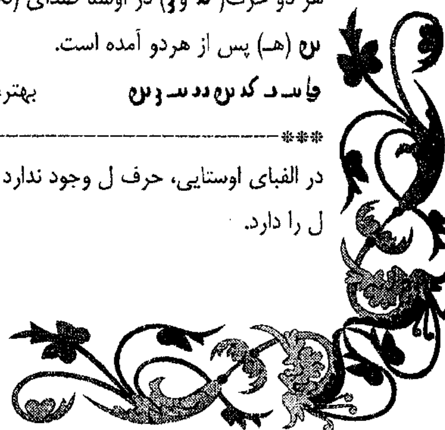
𐬛𐬀𐬌𐬣𐬵𐬎 ایالت، ولایت، ده.

𐬛𐬀𐬌𐬣𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀 وابسته به ایالت و ده.

هر دو حرف(𐬣 و𐬢) در اوستا صدای (نگ) می‌دهند که در واژه‌ی زیر به‌کار رفته است و حرف 𐬵 (هـ) پس از هردو آمده است.

𐬬𐬀𐬣𐬵𐬌𐬌𐬀𐬢𐬵 بهتر، بیشتر، بیشتر و بهتر.

در الفبای اوستایی، حرف ل وجود ندارد و در نوشته‌های غیر دینی از علامتِ 𐬮استفاده می‌شود که در پهلوی صدای ل را دارد.

نگاهی کوتاه بر دستور زبان اوستایی

زبان اوستایی یک زبان صرفی است بدین معنا که در این زبان اسم، صفت و ضمیر نیز افـزون بر فعل صرف می‌شوند. به مفهوم دیگر هر یک از این واژه‌ها بسته به جایگاهی که در جمله دارند، (برای مثال مفعولی، فاعلی، ترکیب اضافی و...) صرف شـده و قسـمت پایـانی واژه در هـر حالـت صرفی تغییر می‌کند.

برای نمونه صرف:

"ستایش" – yasna ستاک

حالت صرفی	مفرد	مثنی	جمع
فاعلی	yasnō ستایش	yasna دو ستایش	yasna/yasnåŋhō ستایش ها
رایی	yasnəm ستایش را	yasna دو ستایش را	yasną ستایشها را
بایی	yasna با ستایش	yasnaēibiia با دو ستایش	yasnāiš با ستایشها
برایی	yasnāi برای ستایش	yasnaēibiia برای دو ستایش	yasnaēibiiō برای ستایش‌ها
ازی	yasnāt از ستایش	yasnaēibiia از دو ستایش	yasnaēibiiō از ستایش‌ها
اضافی	yasnahe ستایشِ	yasnaiiå دو ستایشِ	yasnanąm ستایش‌های




دری	yesne در ستایش	yasna*iiō* در دو ستایش	yasna*ēšu* در ستایش‌ها
ندایی	yasna ای ستایش	yasna ای دو ستایش	yasna ای ستایش‌ها

در زبان اوستایی به صورت خامِ واژه یعنی صورتی از واژه قبل از آنکه صرف شود، ستاک گفته می‌شود.

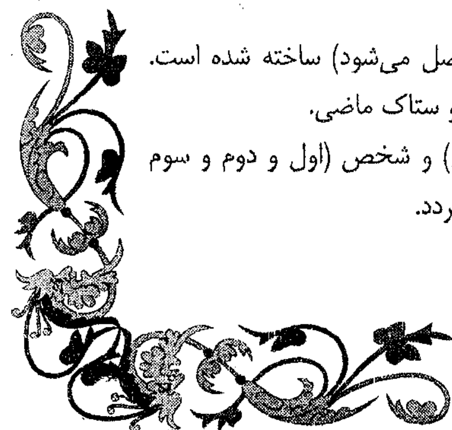
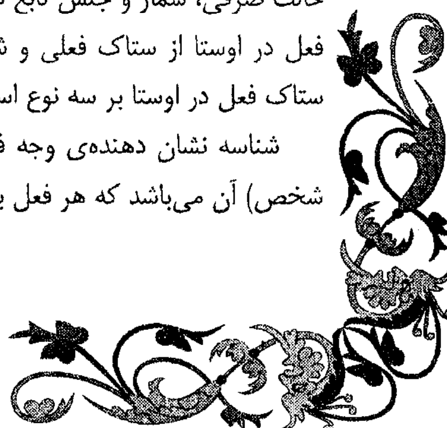
تقسیم بندی متداول واژه‌ها در زبان اوستایی، بر اساس قابل صرف بودن یا نبودن واژه انجام می‌گیرد. به این ترتیب واژه‌هایی که صرف می‌شوند مانند اسم، ضمیر، صفت و فعل در یک دسته و واژه‌هایی چون مصدر و قید که صرف نمی‌شوند در دسته‌ی دیگر جای می‌گیرند.

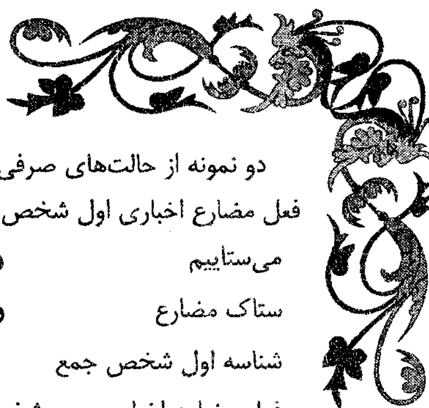
واژه‌های قابل صرف:

اسم، صفت و ضمیر در ۸ حالت (فاعلی، رایی، ازی، بایی، دری، اضافی، ندایی، برایی) مانند مثال بالا صرف می‌گردند. برای مثال اسم، صفت یا ضمیری که در جمله موقعیت فاعلی دارد به حالت فاعلی صرف می‌شود و پایانه‌ی آن تغییر می‌کند و یا اگر در جمله موفعیت دیگری برای نمونه ندایی داشته باشد، قسمت پایانی آن به شکل دیگری خواهد بود.
افزودن بر اینها، اسم، صفت و ضمیر دارای سه شمار هستند یعنی می‌توان آن‌ها را به صورت مفرد، یا به صورت مثنی (دو تایی) یا جمع به کار برد و در هر یک از این سه شمار، به هشت حالت یاد شده صرف کرد.

همچنین اسم، صفت و ضمیر دارای سه جنس مذکر، مؤنث و خنثی هستند که صفت‌ها در حالت صرفی، شمار و جنس تابع موصوف خود در جمله می‌باشند.
فعل در اوستا از ستاک فعلی و شناسه (که در انتهای ستاک متصل می‌شود) ساخته شده است.
ستاک فعل در اوستا بر سه نوع است: ستاک مضارع، ستاک نقلی و ستاک ماضی.

شناسه نشان دهنده‌ی وجه فعل و شمار (مفرد، مثنی و جمع) و شخص (اول و دوم و سوم شخص) آن می‌باشد که هر فعل با تغییر شناسه‌ی آن، صرف می‌گردد.



دو نمونه از حالت‌های صرفی یک فعل را در مثال زیر می‌بینیم:

فعل مضارع اخباری اول شخص جمع

می‌ستاییم	𐬫𐬀𐬰𐬀𐬨𐬀𐬌𐬛𐬈	yazamaide
ستاک مضارع	𐬫𐬀𐬰𐬀	yaza -
شناسه اول شخص جمع	𐬨𐬀𐬌𐬛𐬈	- maide

فعل مضارع اخباری سوم شخص مفرد

می‌ستاید	𐬫𐬀𐬰𐬀𐬌𐬙𐬉	Yazaitē
ستاک مضارع	𐬫𐬀𐬰𐬀	yaza -
شناسه‌ی سوم شخص مفرد	𐬙𐬉	- tē

واژه‌هایی که صرف نمی‌شوند:

بعضی از واژه‌ها در زبان اوستایی صرف نمی‌شوند. قید و مصدر در این گروه از واژه‌ها جای دارند و تنها شاخه‌های آن می‌باشند.

از این کوتاه چنین بر می‌آید که زبان اوستایی چنان گسترده و کامل است که کوچکترین تغییر از سوی نادانان این زبان، در واژه، جمله، یا متنی اوستایی، تغییر و یا تحریف اعمال شده را به وضوح می‌نماید و این گونه اوستای بزرگ و گاتای درون آن، این گنجینه‌های سرشار از اندیشه، کامل و به همان گونه که بوده‌اند با جان فشانی‌های بسیار به ما رسیده‌اند. پس بخوانیم و بدانیم و بیاندیشیم و آن را پاس داریم.

برای مطالعه و آگاهی بیشتر پیرامون دستور زبان اوستایی می‌توانید از دو منبع زیر بهره بگیرید:

۱) A.V.Williams Jackson. 1892 . *Avesta Grammar*. Stuttgart ________

۲) محمد تقی راشد محصل.۱۳۶۴. *درآمدی بر دستور زبان اوستایی (بررسی سن نهم).* انتشارات کاویان.

